

عوامل موثر در ایجاد تفاهم (۲)

دکتر محسن ایمانی

اگر خوب تأمل کنیم و از آنچه شنیده‌ایم و تجربه کرده‌ایم بهره بگیریم. در می‌یابیم که عوامل متعدد و فراوانی در پیدایش تفاهم مؤثرند، تنها به برخی از آنها که دارای اهمیت بیشتر هستند اشاره می‌نمائیم. تا با توجه به آنها، خانواده‌ها بتوانند از همدلی و صمیمیت بیشتری برخوردار شوند. این عوامل عبارتند از:

۱- شباهت‌ها

وجود شباهت‌ها موجبات تفاهم بیشتر را فراهم می‌آورد در قانون مغناطیسی دو قطب متفاوت و متضاد همدیگر را جذب می‌کنند یک ضرب المثل قدیمی می‌گوید: «متضادها همدیگر را جذب می‌کنند». زوجین عاشق هم با شور و حرارت از تفاوت‌هایی که بایکدیگر دارند صحبت می‌کنند «من عاشق قایقرانی هستم، اما او از کوهنوردی خوشش می‌آید»، «من دانشجوی مهندسی هستم، اما او در رشته تاریخ درس می‌خواند». این افراد فراموش می‌کنند که هر دوی آنها فعالیت در فضای باز را دوست دارند. هر دو دوره تخصصی را می‌گذرانند. ملیت و دین و طبقه اجتماعی و سطح تحصیلات هر دو یکسان است و احتمالاً از نظر سنی دوسه سال و از لحاظ بهره هوشی، تنها چند نمره هوش بهز از هم فاصله دارند.

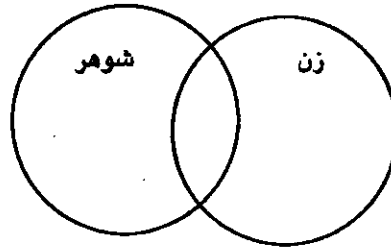
زمینه‌یابی‌های آماری نشان می‌دهد که زن و شوهرها به طور معنی داری به یکدیگر شبیه‌اند و این شباهت‌ها منحصر به ویژگی‌های جامعه‌شناختی همچون سن، نژاد، دین، تحصیلات و طبقه اجتماعی، اقتصادی نیست، بلکه در مورد ویژگی‌های جسمی، اتومبیل، بلندی قد و رنگ چشم و ویژگی‌های روان‌شناختی همچون هوش نیز صادق است (روبین ۱۹۷۳).

دریک تحقیق پر دامنه در باره شباهت و دوستی در ازای شرکت در آزمایش به مدت یک سال مسکن رایگان یکی از ساختمان‌های بزرگ دانشگاه میشیگان در اختیار دانشجویان پسر قرار گرفت برای هر دانشجو براساس اطلاعات به‌دست آمده از

آزمون‌ها و پرسشنامه‌ها، یک هم اتاقی در نظر گرفته شد. به طوری که در مورد گروهی از دانشجویان، دو هم اتاقی کاملاً شبیه یکدیگر و در مورد گروه دیگر، کاملاً نامشابه بودند. بعد پژوهشگر با اجرای پرسشنامه‌ها و سنجش نگرش‌ها، الگوهای دوستی دانشجویان را در خلال یک سال تحصیلی مورد مطالعه قرار داد. زندگی این دانشجویان از جهات دیگر شبیه زندگی در سایر خوابگاه‌های دانشجویی بود هم اتاقی‌هایی که از آغاز شبیه هم بودند، عموماً به یکدیگر علاقه نشان دادند و در پایان برای هم دوستان بهتری شدند، تا هم اتاقی‌هایی که در آغاز شبیه یکدیگر نبودند. یکی از علل به وجود آمدن علاقه‌مندی بر اثر شباهت احتمالاً این است که افراد برای عقاید و سلیقه‌های خود ارزش قائلند و از معاشرت با کسانی که انتخاب‌های آنها را تأیید می‌کنند لذت می‌برند و چه بسا از این راه عزت نفس آنها تقویت می‌شود. این امر در زندگی خانوانگی می‌تواند ضامن خوشبختی باشد دانشجویانی که در دانشگاه بایکدیگر از دواج می‌کنند، این خود تضمین می‌کند که آنان را از نظر سطح تحصیلات، هوش عمومی، آرزوهای شغلی، و احتمالاً از نظر سن و پایگاه اقتصادی - اجتماعی شبیه یکدیگر باشند.

به رغم آنچه گفته شد ضرب المثل «متضادها یکدیگر را جذب می‌کنند» هنوز هم ممکن است در مورد برخی ویژگی‌های مکمل شخصیتی صادق باشد (وینچ، کتسانز، و کستانز ۱۹۵۴) روشن‌ترین نمونه در این زمینه، وضع یک فرد بسیار سلطه جوست که احتمالاً خواهان از دواج بایک فرد نسبتاً سلطه‌پذیر است. یافردی که در انتخابات‌های خود بسیار یکدنده است. احتمالاً با کسی بهتر می‌تواند بسازد که آدمی بسیار انعطاف‌پذیر و حتی «بی‌اراده» باشد. این پدیده را «فرضیه نیاز مکمل» (Need Complimentarity Hypothesis) نام نهادند. اما حتی در مورد ویژگی‌های مکمل نیز می‌توان یک شباهت زیربنایی در نگرش‌ها مشاهده کرد. مثلاً رابطه زناشویی

شوهر سلطه‌جو و زن سلطه‌پذیر تنها هنگامی می‌تواند رضایت‌بخش باشد که آنان این نقش‌های جنسی سنتی را مطلوب بدانند. حتی موفقیت نقش‌های مکمل نیز منوط به این است که یک شباهت زیربنایی در نگرش‌های طرفین در مورد عدم شباهت وجود داشته باشد.

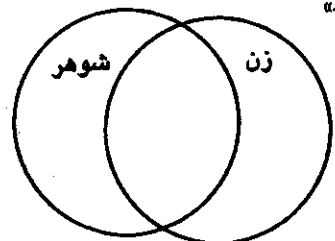


شکل ۲

اما شکل اصلی فرضیه نیاز مکمل این است که شواهد چندان در تأیید آن وجود ندارد (لوینجر، سن، یورگنسن، ۱۹۷۰). یک تحقیق نشان داد که سازگاری زناشویی زوج‌هایی که حداکثر پنج سال از ازدواجشان می‌گذشت بیشتر تابع میزان شباهت آنها بود تا میزان مکمل بودن آنها (مسی، پی، ۱۹۷۷). کوشش در راه شناسایی آن دسته از ویژگی‌های شخصیتی که دو به دو نقش مکمل دارند، چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. با در نظر گرفتن همه بحث‌ها و بررسی‌ها باید گفت «شباهت» نقش مهمتری برعهده دارد.^۱

۲- اشتراک فکری و عاطفی

الف - اشتراک فکری: عامل بسیار مؤثری در شکل بخشیدن به نوعی تفاهم مطلوب است. و به عبارت بهتر اساسی‌ترین پایه تفاهم است. پس هر اندازه این اشتراک فکری بیشتر باشد، میزان تفاهم را افزون‌تر می‌نماید و بالعکس. بدیهی است که در خانواده شکل (۱) که سطح اشتراک فکر بیشتر است، تفاهم نیز بیش از خانواده شکل (۲) وجود دارد. و در این حالت زن و شوهر پیام‌های یکدیگر را بهتر دریافت می‌نمایند. «و مهمترین مسأله در یک سیستم ارتباطی این است که فرستنده و گیرنده پیام از نظر اطلاعات، عواطف و سایر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی وجه مشترک داشته باشند»



شکل ۱

همچنین بین دو فرد به دلیل اینکه دارای تجارت و تفاهیم مشترک نیستند، برقراری ارتباط مداوم و مطلوب مشکل خواهد بود و یا اصولاً صورت نخواهد گرفت «مانند شکل ۳» به همین دلیل در یکی از تحقیقات انجام شده نتایج بدست آمده حکایت از آن داشت که بالاترین میزان طلاق متعلق به زوجینی بود که هیچکدام از آنها به هیچ مسلك و مراسمی معتقد نبوده‌اند و در مرتبه دوم میزان طلاق زیاد به کسانی تعلق داشت که از نظر مذهبی با یکدیگر اختلاف داشتند.^۱ پس به هنگام انتخاب همسر باید صادقانه عقاید را ابراز نمود و نه همچون گندم نمای جو فروش.



شکل ۳

ممکن است عده‌ای عدم طرح صادقانه عقاید و افکار را در هنگام گزینش همسر، نوعی پیروزی تلقی نمایند ولی شکست‌های ناشی از عدم تفاهم و پی‌آمدهای ناگوار آن به زودی به آنان خواهد فهماند که به این گونه پیروزی دوام چندان نخواهد داشت، پس یکی از رموز موفقیت در زندگی مشترک بیان صادقانه اندیشه‌ها و عقاید است تا طرفین بدانند که با چه کسی زندگی خواهند کرد و با آگاهی و دقت بیشتر تصمیم به انتخاب بگیرند.^۲

ب - اشتراک عاطفی

برای دست یافتن به تفاهم زن و شوهر



باید اطمینان داشته باشند که محبوب یکدیگرند و در بین آنها پیوندی حقیقی وجود دارد. وجود گرمی و عاطفه و توافق قلبی در محبت برای داشتن یک کانون سعادت مند یک اصل مهم و اساسی است.

زن و شوهری که دل در گرو یکدیگر دارند، با سلاح محبت در عرصه مبارزه با دشواریها به پیش می‌روند و موفق و پیروز باز می‌گردند.

تجارب زندگی‌های موفق نشان می‌دهد که عشق و عواطف انسانی زوجین سازگاری و تفاهم را پدید می‌آورد، و در حفظ سعادت و ایجاد محیط سالم برای ادامه حیات نقش اساسی دارد.^۲

عواطف مشترک ریشه در اشتراک فکر و اندیشه دارد. آنجا که زن و شوهری با ایمان، خدای تعالی را دوست دارند، دل‌هایشان بایکدیگر نزدیک است. چنانکه قرآن می‌فرماید: «والذین امنوا اشد حبا لله» یعنی آنان که ایمان آورده، دوستی عمیقی با خدا دارند.^۳

و در آیه دیگر می‌فرماید «محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم» یعنی محمد فرستاده خداست و کسانی که با اویند بر کفار سخت می‌گیرند و بایکدیگر مشفق و مهربانند.

پس وجود وجه اشتراک در ابراز محبت نسبت به خدا و رسول، موجبات رأفت و رحمت و مهربانی بین زوجین را فراهم می‌آورد و در این حال آنها کسانی خواهند بود که دوستداران خدا را دوست می‌دارند و دشمنان او را دشمن می‌شمارند. یعنی دارای فی‌الله و بغض فی‌الله می‌باشند.

۳- اشتراک مذهبی

وجود عقاید مذهبی مشترک عامل مؤثری در ایجاد تفاهم و همچنین پایداری زندگی مشترک تلقی می‌شود به رغم دگرگونیهای جوامع جدید صنعتی که گاه حرکتشان به سوی تضعیف حس مذهبی جوانان و استقرار گونه‌ای عقل‌گرایی (Rationalism) جدایی پدیده‌های حیات از ابعاد دینی (Secularization) یا ماده‌گرایی

افراطی و یا عمل‌گرایی (Pragmatism) است. در روزگار ما تأثیر اعتقاد مذهبی بر کردار جوانان قابل توجه و ملاحظه است. ما در بررسی خودخواهیم کوشیدیم، تا این تأثیرات را بر ازدواج دریابیم و بیان کنیم بوساز و بل در «یک زناشویی و دو ایمان» می‌نویسند:

«زناشویی میان زن و مردی که مذاهب مختلف دارند، به دشواریهای شخصی و خانوادگی گوناگون می‌انجامد و تنها با اراده‌ای استوار نمی‌توان از آنها پرهیز کرد. زیرا باورهای مذهبی همیشه و در همه جا سرچشمه بنیادین تلقیات جمعی (Collective Attitudes) بوده‌اند. و البته این تلقیات خود نمودار و نمایشگر اخلاقیات یا قوم درباره زن و مرد است.»

به عقیده لوگال تا پیش از ازدواج مذهب بر رفتار جوانان مؤثر است، لیکن پس از زناشویی، ناباوریهایی دینی یکی از طرفین دشواریهای فراوانی برای آنها فراهم می‌کند و باعث ایجاد بگومگوهای دائمی می‌گردند. و به گفته بورساوربل «جالب اینجاست که این نبود هماهنگی و همفکری با پیشرفت زندگی زناشویی افزایش می‌یابد.»

دیکسترا نیز در اثر معروفش به نام «مسائل یک جامعه و چندین مذهب» همین عقیده را دارد. در واقع اگر اختلاف مذهبی به سختی بتواند پیوندهای زناشویی را از هم بگسلد، سرانجام بر امر ازدواج و استواری و استحکام آن، همانطور که بر سعادت زوجین، تأثیری شگرف خواهد گذارد. چه می‌توان گفت «آنهايي که با هم دعا می‌کنند، باهم زندگی می‌کنند». یا دست کم آنهايي که باهم به دعا برمی‌خیزند، زندگی مشترک خود را بهتر سرو سامان می‌دهند. و به قول هالینگستر «یکی از مهمترین عواملی که هنگام انتخاب همسر بر تصمیم فرد و جامعه اثر می‌گذارد، اعتقاد دینی است.»

بدین قرار، ازدواج در درون گروه‌های مذهبی، یا به سخن دیگر، همسان همسری بر بنیان تعلق دینی در دوره ما به صورتی روشن و استوار تجلی می‌کند و همچون گذشته بر پیوندهای زناشویی اثر می‌گذارد.

توماس نیز می‌گوید، همسانی مذهبی گذشته از آن که اهمیتش را در نزدیک ساختن افراد حفظ کرده است، به عنوان یک عنصر در میان عناصر دیگری که انتخاب همسر را تسهیل می‌کنند، همواره باقی است.^۴

پس می‌توان نتیجه گرفت که تفکر همسان مذهبی، عاملی اساسی برای نزدیک ساختن زوجین به یکدیگر بوده، و احساس نزدیکی و تفاهم هنگامی پدید می‌آید که همسویی و استقرار باورهای مشترک حفظ شود. عدم تفاهم دینی و وجوه مشترک مذهبی، به عدم تفاهم و همدلی منجر شده، پایداری زندگی مشترک را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد.

مولوی می‌گوید:

جان گرگان و سگان از هم جداست
متحد جانانهای شیران خداست

۴- تشابه در هوشمندی

اگر زن و شوهری که با یکدیگر زندگی می‌کنند، دارای بهره هوشی کم و بیش همسانی باشند، می‌توانند از تفاهم بیشتری برخوردار باشند. و اگر تفاوتها زیاد باشد، دستیابی به تفاهم دشوار خواهد شد. شخصی خدمت امام صادق (ع) رسید و به امام عرض کرد که من به فردی علاقه مند شده‌ام، و می‌خواهم با او ازدواج نمایم. ولی او از نظر عقل دچار کاستی و نقصان است. امام علیه السلام او را منع نمودند. او گفت که من خیلی به او علاقه مند شده‌ام و می‌خواهم با او ازدواج کنم. امام (ع) فرمود: پس از او صاحب فرزند نشو!

امام صادق (ع) فرمودند: «ایاکم و تزویج الحمقاء فان صحبتها بلاء و ولدها ضیاع» یعنی از ازدواج با فرد احمق پرهیز کن، زیرا مصاحبت با او بلا و دردسر همراه دارد و فرزند او نیز ضایع است. زن و شوهر باید پیش از آن که به یک سطح فرهنگی نزدیک و نه حتی همگون - نائل شوند، هر دو از سطح هوشی همانند برخوردار باشند. پس می‌توان پنداشت که از نظر هوش همسر گزینی اجتماعی - فرهنگی در درون خود



مستلزم همگونی همسران است.

آلن ژیرا می‌گوید «اختلاف وسیع هوشی میان همسران به ایجاد پاره‌ای دشواریها در زندگی خانوادگی خواهد انجامید»

تحقیقات ترمان در باره بستگی هوشی میان همسران و سعادت خانوادگی، نیز این پدیده را از نظر دور نداشته است. وی می‌نویسد: «زنانی که شوهران خود را کم‌هوش‌تر از خویش می‌دانند، خوشبختی بی‌رمق‌تر و بی‌جان‌تری از دیگران احساس می‌کنند و نیز خوشبختی مردان هنگامی کاملاً تحقق خواهد یافت که همسران خود را از نظر هوشی باخود برابر ببینند. برعکس، این احساس نیکبختی هنگامی کاستی خواهد گرفت که به طور قابل ملاحظه‌ای از زنانشان هوشمندتر باشند» بدین قرار، به استثنای چند پژوهنده که برای نقش هوش و همگونی آن در زندگی زناشویی اهمیت چندانی قائل نیستند، اکثریت دانشمندان لزوم هوش کم و بیش برابری را جهت خرسندی زندگی زناشویی پذیرفته‌اند.

شاید بتوان در توجیه این داده‌های عینی گفت، در صورت تمایز وسیع هوشی

بین زوجین، مشکلات خاص رفتاری در درون خانواده پدید می‌آید، به عنوان مثال؛ طرف دارای هوش کمتر در هر قدم به رفتاری می‌پردازد که با عقل سلیم تطابق ندارد، ولذا مورد انتقاد متوالی و در نتیجه خشم طرف دیگر قرار می‌گیرد.^۷

بدین ترتیب ملاحظه می‌نمائیم که وجود بگومگوها و انتقادات مکرر، نقطه مقابل تفاهم است و در حالی که در زندگانی افرادی با هوش کم و بیش برابر اینگونه منازعات کمتر ملاحظه می‌شود.

۵- تناسب سنی

وجود فاصله سنی مناسب می‌تواند موجبات تفاهم بین زوجین را فراهم نماید. در خانواده‌هایی که تفاوت سنین زوجین زیاد است، گاه مشکلات عدم تفاهم را ملاحظه نموده‌ایم یکی از مراجعین مرکز مشاوره می‌گفت: «اختلاف سنی من و همسرم زیاد است و احساس می‌کنم که ما در دو دنیای متفاوت زندگی می‌کنیم» البته آنها که از دواج کرده‌اند، به هر ترتیب باید به اصلاح مشکل خانواده بپردازند، اما آنان که قصد انتخاب همسر دارند باید به این موضوع توجه نمایند که با همسر خود فاصله سنی زیادی نداشته باشند، فاصله سنی مناسب را شاید بتوان بین ۵-۲ سال دانست فاصله زیاد می‌تواند در مواردی مشکل آفرین باشد. مثلاً نبیده شده است که «همسران بیماران اسکیزوفرنیک متأهل، معمولاً از نظر سن، مذهب، سواد یا طبقه اجتماعی با بیمار تفاوت دارند»^۸

هنجارهای فرهنگی نیز به جور بودن افراد از لحاظ سنی در حد متعارف نظم می‌بخشند.^۹ مثلاً یک زن مسن و یک مرد جوان یا بالعکس هنوز هم توجه دیگران را به خود جلب می‌نمایند. یعنی گویی انتظار تشابه بیشتری می‌رود.

۶- داشتن گذشت

معمولاً وقتی که زن و شوهری بایکدیگر اختلاف دارند، و با این و آن صحبت می‌کنند و درصدد بهره‌گیری از

راهنماییهای آنها برمی‌آیند، افراد به آنها می‌گویند گذشت نمایید. و چون اغلب انفرادی مشکل را مطرح می‌نمایند، به یکی از آنها گفته می‌شود که شما باید گذشت کنید. هر چند که این نیز گاهی مشکل را حل می‌کند، اما به نظر یکی از درمانگرهای خانواده، اگر همیشه یکی گذشت کند، ممکن است تا آخر نتواند این روش را ادامه دهد، ولی طریقه درست این است که زوجین بایکدیگر به فردی ذیصلاح مراجعه نمایند و باید به آنان توصیه شود که هر دو گذشت نمایند. و با استدلال نیز باید گفت که لازمه موفقیت در هر زندگی اجتماعی داشتن گذشت و تفاهم است. چنانکه اگر گروهی از دوستان را تصور کنیم که باهم در خیابان قدم می‌زنند و اکثریت گروه بخواهند به خوردن بستنی اقدام نمایند اگر یکی مخالف هم نباشند برای اینکه آن جمع ناراحت نشوند، این یکی دو نفر هم علی‌رغم میل خود به خواست اکثریت احترام گذاشته آن درخواست را اجابت می‌نمایند. البته در جای دیگر نفرت دیگری از افراد گروه خود را با خواسته نفرت مذکور هماهنگ می‌نمایند و بدین ترتیب خیات گروه ادامه می‌یابد، در غیر این صورت از اعضای آن کاسته شده و در صورتی که عدم تفاهم‌ها بیشتر شود. گروه ممکن است مضمحل شود. موضوع در مسائل خانوادگی نیز کم و بیش به همین امر می‌تواند شباهت داشته باشد.

پی‌نوشتها:

- ۱- زمینه روان‌شناسی: ارنست. ر. هلیگارد واتکینسون ریتال، ج ۲، انتشارات رشد، ۳۵۹-۳۶۱
- ۲- اصول بهداشت روانی، سید ابوالقاسم حسینی، جلد ۱، چاپ دوم، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۱۴ مطالعه این کتاب برای بسط بهتر و عمیق‌تر بحث توصیه می‌شود
- ۳- خانواده و مسائل همسران جوان، علی قائمی، انتشارات بهرام، شهریور ۱۳۷۰، صص ۲۵۸
- ۴- سوره بقره، آیه ۱۶۵
- ۵- سوره فتح، آیه ۲۹
- ۶- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، باقر ساروخانی، انتشارات سروش، تهران ۱۳۷۰، صص ۶۴-۶۵
- ۷- همان کتاب، صص ۶۳-۶۴
- ۸- در آمدی به آسیب شناسی روانی، راسل دیویس، ترجمه دکتر نصرت‌الله پورافکاری، انتشارات نیا، ۱۳۷۰، صص ۱۶۸
- ۹- زمینه روان‌شناسی، جلد دوم، صص ۳۶۰